

وسیله الخادم الی المخدوم

در شرح صلوات ۱۴ معصوم علیه السلام

امام هادی علیه السلام

فضل الله بن روزبهان


بسم الله الرحمن الرحیم

وسیله الخادم الی المخدوم : در شرح صلوات چهارده معصوم (ع) - امام هادی (ع)

نویسنده:

فضل‌اللّه‌بن روزبهان خنجی‌اصفهانی

ناشر چاپی:

انصاریان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
وسیله الخادم الی المخدوم : در شرح صلوات چهارده معصوم (ع) – امام هادی (ع) ----- ۶
مشخصات کتاب ----- ۶
در صلوات بر امام هادی (ع) ----- ۶
پاورقی ----- ۸
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۹

وسیله الخادم الی المخدوم : در شرح صلوات چهارده معصوم (ع) – امام هادی (ع)

مشخصات کتاب

سرشناسه : فضل‌الله‌بن روزبهان ۸۶۰؟ - ۹۲۵؟ق

عنوان قراردادی : [وسیله الخادم الی المخدوم

عنوان و نام پدیدآور : وسیله الخادم الی المخدوم : در شرح صلوات چهارده معصوم (ع) / فضل‌الله‌بن روزبهان خنجی‌اصفهانی به‌کوشش رسول جعفریان

وضعیت ویراست : [ویرایش ۲؟]

مشخصات نشر : قم موسسه انصاریان ۱۳۷۵.

مشخصات ظاهری : ص ۳۱۵

شابک : بها:۶۵۰۰ریال ؛ بها:۶۵۰۰ریال

وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی

یادداشت : کتابنامه به‌صورت زیرنویس

عنوان دیگر : در شرح صلوات چهارده معصوم ع

موضوع : صلوات

شناسه افزوده : جعفریان رسول ۱۳۴۳ -، مصحح

رده بندی کنگره : BP۲۶۶/ف۵۶و۵ ۱۳۷۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷

شماره کتابشناسی ملی : م۷۶-۸۷۷

در صلوات بر امام هادی (ع)

اللهم و صل و سلم علی الامام العاشر و درود و صلوات ده و سلام فرست بر امام دهم. از این جا شروع است در صلوات بر حضرت امام علی نقی هادی که امام دهم است؛ و آن حضرت بعد از پدر خود محمد تقی جواد امام به حق است، به نص از قبل پدر خود چنان چه ثابت شده هیچ خلافی در امامت او نیست. و آن حضرت بعد از وفات پدر خود در مدینه ساکن بوده و آن حضرت مبدول [۱] طاعات و عبادات بوده تا واثق خلیفه آن حضرت را به سر من رای نقل کرد. مقتدی الحی و النادی، سید الحاضر و البادی آن حضرت مقتدای حاضر و بادیه‌نشین بود و آن حضرت سید بزرگ حی و قبیله و مجلس مردمان بود. و این اشارت است بدان که آن حضرت همه‌ی طوایف امت را از مردمان شهرها و ولایتها که ایشان را حاضر گویند. یعنی: مردمان حضری، و از مردمان بادیه‌نشین و ساکن برها که ایشان را بادی گویند امام و پیشوا و سید و مقتدا بود. چنان چه روایت کرده‌اند که شأن آن حضرت به غایت بزرگ بوده و جمیع طوایف [صفحه ۲۵۸] قبایل عرب و عجم بدان حضرت اقتدا می‌کرده‌اند آن حضرت در شهر سر من رای که از مداین عراق عرب است و بر کنار دجله واقع است، ساکن بوده و آن حضرت را در آن جا خانه‌ای مشهور بوده و همه‌ی طوایف از آن حضرت فواید می‌یافته‌اند و همگان از بنی‌العباس و سایر بنی‌هاشم امرای عرب آن حضرت را امام و مقتدای خود می‌دانسته‌اند. صاحب کشف الغمه [۲] در کتاب خود آورده به روایت از پسر فتح بن خاقان که از امرای بزرگ واثق خلیفه بود. که هنگام که والی شهر قم شده بود شبی با مردم خود حکایت کرد که پدر من فتح بن خاقان در زمان واثق خلیفه به غایت بزرگ و عظیم‌الشأن

بود و عنان اختیار خلافت واثق در دست او بود و تمامی مهمات ملك و مال و لشکر و رعیت برای پـدر من منوط بود و او مردی به غـایت متعظم و متکبر بود و هیچکس را از امرای بنی‌العبـاس و قواد لشـکر تعظیم نمی‌کردی و جهت کس بر نمی‌خواست. یک روز صباح در خانه‌ی خود بر مسـند حکومت نشسـته بود و من بر بالای سر او ایستاده بودم و حاجبان می‌آمدند و نزد او یاد می‌کردند که فلاـن و فلاـن آمـده از اکـابر بنی‌هاشم و اقوام خلیفه و امرای بزرگ و او به هیچکس التفات نمی‌کرد. ناگاه حاجب درآمـد و گفت ابوالحسن بن الرضا بر درگاه است. دیـدم که پـدرم از جای خود برخاست و گفت درآیـد درآید؛ من تعجب کردم که این چه کس است که نام او پیش پدر من به کنیت یاد کردند و هیچ کس را به غیر از خلیفه در حضور پدرم به کنیت یاد نمی‌کردند؛ و دیگر این همه اکابر بنی‌هاشم را یاد کردنـد که بر درگاه نشسـته‌اند و به هیـچ التفات نکردنـد و چون نام او بردند همچنین «اقبال و شـعف» [۳] اظهار کرد. من در این تعجب بماندم، چون در آمد جوانی دیدم در کمال جمال و فر و شکوه [صفحه ۲۵۹] که مثل او هیچ کس را ندیده بودم. چون پدرم او را بدید از مسـند خود به تعجیل تمام برخاست و اسـتقبال کرد و او را بیاورد و بر مسـند خود نشانید دست او را ببوسید و با او به مکالمه درآمد و در اثنای سخن چند نوبت با او گفت: پدر و مادر من فدای تو باد. و تعجب من در آن احوال زیادت شـد. در این اثنا خبر آوردنـد که متوکل خلیفه که پسـر واثق بود بر درگاه است. تعجب در آن حال زیادت شد. پدرم گفت: غلامان از دو طرف صف راست کنندی آن را «سـماطین» [۴] گویند تا متوکل درآید و با حضـرت امام گفت: پدر و مادرم فدای تو باد. تو پس صف‌ها برو تا او تو را نبینـد؛ آن حضـرت برخاست و روان شد. و متوکل درآمد و من در آن تعجب بودم و عادت پدرم چنان بود که شب ساعتی می‌نشست و در مهمات روز نظر می‌کرد؛ چون به عادت خود بنشست من پیش آمدم و گفتم: من امروز از حال تو تعجب کردم که شخصـی درآمد من او را نمی‌شناختم و او را به کنیت پیش تو یاد کردند و تو او را به خلاف طریقه‌ی خود تعظیم‌های بسـیار کردی و من هرگز ندیـده‌ام که تو با هیچکس از اکابر بنی‌هاشم چنین عمل کرده باشـی. پـدرم گفت ای پسـر، آن شخص علی بن الرضـا است و او بزرگترین خلاـیق است و در جمیع بنی‌هاشم کس به فضل و کمال و مناقب او نیست و تمامی عالم او را مسـلم می‌دارنـد و او امام شـیعه است و اگر خلافت از بنی‌العباس زایل شود هیـچ کس شایسـته‌ی آن نیست از بنی‌هاشم الا او و سیـادت و بزرگی او مسـلم است. حارز نتیجـهٔ [۵] الوصایـهٔ و الامامهٔ [۶] من المبادی آن حضـرت جمع کننـده و فراگیرنـده‌ی نتیجه وصـایت و امامت است از مبادی. یعنی منصب وصایت نبوت و مرتبت ولایت که او را نتیجه داده از پـدران او که مبـدأها و منشأن او بوده‌انـد بـدو رسـیده؛ یـا آن، که نتیجه منصب وصایت و امامت از مقـدمات آن که علم و تقوا و اعمال صالحه است بـدان حضـرت رسـیده، و از حسن اعمال بدین پایه عظیم و مرتبه‌ی جسـیم راه بوده، و بالله التوفیق. [صفحه ۲۶۰] السیف الغاضب [۷] علی رقبهٔ کل مخالف معادی آن حضرت شمشیر برنده است بر گردن هر مخالف که دشمنی کننده باشد. و این اشارت است بدان که آن حضرت همچو سایر ائمه مهدیین گردن «دشـمنان» [۸] دین را به شمشـیر حجت و برهـان قطع می‌فرموده. و مخالفـان را به حکم الهی و قوت امامت در ربقه‌ی طاعت و انقیاد در می‌آورده. روایت کرده‌اند که برادر آن حضـرت که بر سـیرت و طریقه‌ی آن حضرت و پدر آن نبوده با آن حضـرت در مقام مخالفت و معادات بوده و دعوی امامت می‌کرده. آن حضـرت به حجت و برهان او را الزام کرده قصـد او را باطـل گردانیـده و آیـات امـامت و بینات وصایت بر او درست کرده چنان چه او را مجال مخالفت نمانـده. کهف الملهوفین فی النوائب و العوادی آن حضـرت همچو غـار پنـاه ضـعیفان و عاجزان است، در حوادث و نوائب روزگار که بـدیشان عایـد شود. و این اشارت است بدان که آن حضـرت ملاذ و ملجأ ضـعیفان و فقیران بود، و هر کس را اجابتی بود توسل بدو می‌نمود، و آن حضرت او را پنـاه می‌داد و راه نماینـده‌ی حیرانـان اودیه‌ی فقر و ضـرر بود، در وقتی که حوادث روزگـار نوایب زمـان ایشان را عاجز و پریشان می‌سـاخته و دور چرخ بـدیشان بـاز می‌گردیـده، صـلوات الله علیهـم اجمعیـن. قـاطع العطش مـن الأکبـاد الصـوادی آن حضـرت بـاز نشاننده‌ی تشـنگی است از جگرهای تشـنه. و این اشارت است به اخلاق و مکام آن حضـرت. چنان چه روایت کرده‌اند آن حضـرت نسـبت به محتاجـان در غـایت عطوفت و مهربانی بود و هر کس را بـدان حضـرت حاجتی و مقصـدی بود آن حضـرت با او به طریق

ملاطفه و ترحم زندگانی کردی. گویا همچو آب زلال تشنگی جگرهای تشنه را به زلال مرحمت و افضال ساکن می‌گردانید. و این در هر زمان از اخلاق ائمه‌ی هدی بوده. [صفحه ۲۶۱] الشاهد بکمال فضله الأحباب و الأعادی آن حضرت گواه است بر کمال فضل و بزرگی او و دوستان و دشمنان. یعنی آن حضرت در کمال، چنان متعین و ممتاز بوده که دوست و دشمن بر آن گواهی می‌داده‌اند. اما دوستان خود ظاهر است؛ و اما دشمنان خود به واسطه‌ی آن که کمال فضل آن حضرت چنان ظاهر بوده که دشمنان هم در مقام اقرار شهادت بوده‌اند. و هیچ کس را از آن به هیچ وجه استنکافی و امتناعی نبوده و کمال فضل آن است که دشمن بدان معترف گردد، بلکه بر آن گواهی دهد. چنان چه گفته‌اند: الحسن ما شهدت به الضرات. یعنی حسن آن است که زنان شوهر [۹] بدان گواهی دهند. ملجأ أولیائه بولائه یوم ینادی المنادی آن حضرت پناه و محل التجاء دوستان خود است به دوستی و محبت که با ایشان دارد. یا آن که پناه دوستان خود است به واسطه‌ی دوستی که محبان با او دارند، در روزی که ندا کند منادی. و مراد روز قیامت است یعنی در روز قیامت آن حضرت پناه دوستان و احباب خود خواهد بود به واسطه‌ی ولا محبتی که با او دارند. و این اشارت است بدان که دوستان و ارباب تولای اهل‌بیت روز قیامت که منادی «یوم ندعوا کل اناس بامامهم» ندا کند و هر کس را به امام خود بخواند در پناه آن ائمه بزرگ مقدار خواهند بود. اللهم احشرنا فی زمرتهم. أبی‌الحسن علی النقی هادی بن محمد «النقی» کنیت آن حضرت ابوالحسن است، همچو کنیت جد خود، علی بن موسی علیه‌السلام؛ و آن حضرت را از اولاد، امام حسن عسکری علیه‌السلام بوده که بعد از آن حضرت امام است. و والده‌ی آن حضرت ام‌الولد بوده و از جمله القاب آن حضرت یکی نقی است یعنی پاکیزه از جمیع عیوب. و این اشارت است به عصمت و طهارت آن حضرت و پاکیزگی از عیوب حسبی نسبی با آن که آن حضرت نقاوه و برگزیده‌ی ائمه‌ی عظام و اجداد کرام خود است. دیگر از القاب آن حضرت هادی است زیرا که او را نماینده‌ی مردمان است، [صفحه ۲۶۲] به طریق صواب و حق؛ و الله الهادی. الشهید بکید الأعداء المقبور بسر من رأی آن حضرت شهید است به کید دشمنان. و این اشارت است بدان که آن حضرت را زهر دادند. و اختلاف کرده‌اند در سبب وفات آن حضرت؛ بیشتر برآنند که واثق خلیفه به اکل او را زهر دادند. و در کتاب کشف الغمه روایت کند که چون حضرت امام نقی خسته [۱۰] شد تمامی رؤوس بنی‌هاشم و اکابر سر من رأی همه اوقات ملازم بودند، و اطباء تردد می‌کردند. و خلیفه فرموده بود که اطباء ملازم درگاه او باشند. و شأن و مرتبت او در آن مملکت بسیار بزرگ بود و همه ی مردم ملازم درگاه شده و مهمات خلایق معطل مانده و واقعه‌ی مرض آن حضرت، بر مردم بسیار دشوار بود. تا بعد از چند روز، مرض آن حضرت اشتداد یافت و غموم و مصائب مردم زیادت شد و خواهر از اندیشه فوت و فراق آن حضرت بسیار مکدر بود. بعد از چند روز، آن حضرت وفات فرمود و از دار فانی به جنت جاودانی انتقال کرد. و ولایت آن حضرت به موضعی بود از ولایت مدینه در نصف ذی‌الحجه سنه‌ی اثنی عشره و مأتین. و در روایتی روز سه‌شنبه خامس رجب. وفات آن حضرت در سر من رأی ماه رجب سنه‌ی اربع خمسین و مأتین. و سن مبارک آن حضرت چهل و یک سال بود. و صباح آن روز که آن حضرت وفات فرمود، اضطرابی در سر من رأی افتاد که گویا صبح قیامت است. و خلیفه و لشکر و اکابر بر در خانه‌ی آن حضرت آمدند. و آن حضرت را در موضع سر من رأی در مشهد مقدس که منسوب به آن حضرت است، دفن کردند. و آن مزار مشهور است. اللهم صل علی سیدنا محمد و آل سیدنا محمد سیما سید الحی و النادی علی النقی الهادی و سلم تسلیما

پاورقی

[۱] مشغول!.

[۲] کشف الغمه، ج ۲ صص ۴۰۷ - ۴۰۹؛ الکافی ج ۱ صص ۵۰۳ - ۵۰۵؛ الارشاد صص ۳۳۸ - ۳۴۰. این خبر در منابع یاد شده درباره‌ی امام عسکری علیه‌السلام نقل شده. راوی آن نیز احمد بن عبیدالله بن خاقان است.

[۳] در «غ» نیامده.

[۴] سماط کشیدن: صف کشیدن.

[۵] «نتیجه» در «غ» نیامده.

[۶] در «غ»: الامانهٔ.

[۷] در «غ»: الناصب.

[۸] از «غ» افتاده.

[۹] مقصود هوو می‌باشد.]

[۱۰] مریض شد.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش

از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹